

با بود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
ویا نگاه داخلی

بامی استار

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

شماره: ۲۵
آبان ۱۳۶۲

نشریه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
سیستان و بلوچستان

۱۲ صفحه

بمناسبت انتشار مجله بامی استار

بامی استار وجدان آگاه و انقلابی زحمتکشان بلوچ دوباره انتشار می یابد . ستاره سرخ بگاهی آسمان خون آلود سرزمین بلوچستان دوباره از پس برده های اختناق رژیم جلادان پرتو افشانی میکند ، بامی استار آمده است تا به وظیفه تاریخی خود که همانا آگاهی سیاسی و اجتماعی بخشیدن به توده های زحمتکش بلوچ است بپردازد ، به وظایف ناتمامی بپردازد که چندین رفیق برای به تحقق در آوردن آنها جان خود را باخته اند ، بامی استار آمده است تا اخبار مبارزاتی سایر خلقهای دربند کشورمان و در راس آنها طبقه کارگر را به گوش خلق بلوچ برساند ، بامی استار پیام آور انقلاب سرخ آمده است تا به تحقق در آمدن هژمونی طبقه کارگر را در انقلاب د مکرانیک میان زحمتکشان بلوچ هموار گرداند و مبارزات ضد امپریالیستی بقیه در صفحه ۱

رهنمودیه هواداران

مردم ایران یکی از سیاه ترین دوران زندگی خود را از سر میگردانند ضد انقلاب جمهوری اسلامی چهره کره و شوم خود را عریان نموده است . زندانها مملو از جوانان و انقلابیون است که برای رهائی زحمتکشان از قید امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا مبارزه می نمایند تاکنون هزاران نفر اعدام گردیده اند ، در سطح بلوچستان و سیستان نیز خلق هدایای سرخی به پیشگاه انقلاب تقدیم داشته بقیه در صفحه ۱

سلطنت طلبان در تدارک توطئه

کشتی شکسته و به گل نشسته پهلووان می رود تا زیر رسوبات طوفان و سیل آبهای سهمگین انقلاب توفنده ضد امپریالیستی د مکرانیک توده های زحمتکش کشورمان برای ابد مدفون شود ، اما پاره ای از ناویان سرگردان این کشتی موربان سزده که اینک در سواحل کشورهای امپریالیستی به چراغ سبز برخورد کرده اند در صدر مرمت آن و برگرداندن رضای ننگین بخت بقول رادیوی صدای آزاد (و از طریق مرزها) یعنی بلوچستان میباشند .

مردگان تاریخ که به غلط خود را زنده میپندارند عناصری را برگزیده اند که در بلوچستان پایگاهی ندارند تا قادر باشند روای فراموش شدگان کور دل تاریخ را تحقق بخشند . میر مولاداد سردارزهی که در راس وحدت بلوچ (بخوان اداره وحدت خوانین) چپانمه زده و حتی به همپالگی های خود نیز خیانت میکند ، مامور گشایش دروازه های تمدن بزرگ از بلوچستان می گردد . ماجرا از این قرار است که از سوی ولیعهد دولتی حامل مقدار متناهی اسلحه از میدا مسقط پایتخت عمان به قصد آبهای سواحل دریای عمان در بلوچستان ایران حرکت میکنند و به مولاداد سردارزهی ماموریت داده میشود بقیه در صفحه ۱۰

در این شماره

کدام حکومت ؟

اخبار

کرامی باد انقلاب کبیر اکبیر

خاطره شهدا

کار را بخوانید

سوپین بیت بلوچ هلاک ، جیره پوت و اجهی و آزاتی

بمناسبت انتشار ... بقیه از صفحه ۱
 و صد ستمگری ملی خلق بلوچ را به انقلاب سرتاسری متصل نماید و مبارزات را به کانالهای اصلینشان رهنمون شود .
 بامی استار انتشار می یابد تا نقش رسمانی را داشته باشد که اتحاد خلق بلوچ را با سایر خلقهای ایستادگان تحقّق بخشد ، بامی استار انتشار می یابد تا ماهیت پرفرید پیرالها و شورای ملی مقاومت را برای توده های بلوچ آشکار نماید تا اینبار از تکرار آن اشتباهی که موجب قدرت گیری جمهوری اسلامی و بقدرت رسیدن خمینی شد در هیئت دیگر با نام جمهوری دموکراتیک اسلامی متعلق به شورای ملی مقاومت و به رهبری امام رجوی به حد وظیفه خود جلوگیری کند و به توده های بلوچ آموزش دهد که نباید بیگانه از قدرت لایزال خودشان به هیچ نیروی که برنامه اش برآورده نیازهای آنها نیست اعتماد کنند .

بالاخره بامی استار مجدداً بمیدان مبارزه آمده است تا در خدمت پرورش تمام هواداران باشد و به آنها رهنمودهای مشخص و عملی بدهد تا آگاهانه مبارزات توده ها را رهبری نمایند .

بامی استار نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق در سیستان و بلوچستان در پایتیز ۹۵ انتشار یافت و در مدت کمی به نشریه توده ها تبدیل گردید ، توده های زحمتکش و روشنفکران بلوچ هر هفته در انتظار شماره جدیدی نباشی میکردند . توده ها با نشریه خود از زندگی خود ، از دردها ، رنجها و مبارزات خود میگفتند ، از آن رهنمود میخواستند و آنها برای آشنایان و دوستان هدیه میبردند . بامی استار با درج مطالب ارزنده و افشاگرهای بموقع نقاب از چهره جمهوری اسلامی و خوانین ضدانقلابی برداشت و موجب انفراد آنها گشت بطوریکه خود خوانین اقرار کرده اند که جمهوری اسلامی با ما دشمنی نداشته حتی بما اسلحه برای تامین امنیت منطقه داده است اما نموبیشها و نشریاتشان بودند که ما را در بدر کردند ،

بقیه در صفحه ۳

رهنمود به ...

بقیه از صفحه ۱
 است رفقای قهرمان و مبارزی چون زین الدینسی ، خسرو مبار کسی ، مهدی خانزاده ، امین نورانی و آخرداد سباهی بسا نثار خون خود راه سرخ انقلاب را در بلوچستان تمام بخشیده اند ، اینک برماست که فدائی وار برخاسته و آنچه را انقلاب از ما می طلبد به نحو احسن انجام دهیم ، قبل از هر چیز لازم است ارتباط خود را با بامی استار برقرار نموده و به پراکندگیها خاتمه دهید ، رژیم ضدانقلابی سعی دارد که ارتباط انقلابیین را از هم بکسلاند و آنها را سرگردان سازد آنچه رژیم از آن هراسان است تشکیلات انقلابیین است . چرا که انقلابیین از این طریق قادر خواهند بود پیوند عمیقی با زحمتکشان برقرار نموده و مبارزات آنها را رهبری نمایند ، پس برماست که این اسلحه برنده را بر علیه دشمنان خلق پیش از پیش صیقل دهیم هوادارانی را که میشناسید گرد آورده و هسته های خود را سازماندهی کنید و با ما ارتباط حاصل نمائید اخبار درست مبارزاتی را به نشریه ارسال دارید ، آثار سازمان چریکهای فدائی خلق را در میان مردم پخش نموده ، روشهایی که در این پرورد مناسب است در مقالات خطاب به مبلغین نشریه کار درج شده است آنها را مطالعه نموده رهنمود های سازمان را دقیقاً بکار گیرید ، ایده کمینه های مخفی مقاومت و کانونهای پارتیزانی را میان زحمتکشان تبلیغ و ترویج نمائید ، برنامه عمل سازمان را برای زحمتکشان بخوانید و بالاخره نشان دهید که شایسته هواداری از سازمان چریکهای فدائی خلق هستید . مرگ جمهوری اسلامی نزدیک است رژیم در بحرانی فزاینده و مرگبار عرق شده است و هر آن امکان خفه شدن رژیم وجود دارد ، باید بر تلاش خود افزود تا اینبار آگاه و پرتوان توده ها و قیام مسلحانه را رهبری نموده ، جمهوری دموکراتیک خلق را برقرار سازیم . رفقا کاملاً باید مد نظر داشته باشند که پیروزی جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر

بقیه در صفحه ۳

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

کدام حکومت؟

امروز توده ها از ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی صرف می زنند، امروز توده ها میگویند حکومت آخوندها باید پایان پذیرد، جنگ، فقر، کمبود، گرانی باید پایان پذیرد، اقدام های دسته جمعی انقلابیون باید خاتمه پذیرد، بزرگ زندانها باید گشوده شود و هزاران پرستوی سرخ انقلاب با زندانها آزاد گردند، توده های بلوچ که از همان اول قدرت گیری حاکمیت جدید نسبت به جمهوری اسلامی توهمی نداشتند، اینک کاسه صبرشان لبریز گشته و در مجامع و حتی بهم رسیدنها و احوالپرسی ها از ضرورت نابودی این حکومت صحبت نموده برای مرگ رژیم روزشماری می کنند. ما به توده ها می گوئیم این خواست واقع بینانه حق شماست، جمهوری اسلامی باید سرنگون شود به دیکتاتوری خفقان، خانه گردی و تفتیش باید پایان داده شود، اما مسئله اصلی این است که چه حکومتی باید جای آنرا بگیرد؟

سلطنت طلبان و خوانین که در روای از دست رفته به سرکشته مشغولند و میخواهند که دوباره بر زحمتکشان حاکم شوند، راحت بجایند و در راس قدرت دولتی باشند، هیچگونه انتقادی به شوراها و انقلابی نداشته حق تعیین سرنوشت را گناه میدانند. " مدنی این جاسوس امبرالیسم و سرکوبگر خلق عرب در دیدار با عده ای از بلوچها که وی را نمیشناخته اند در جواب آنها که سؤال نموده اند اگر شما به قدرت برسید ما خود مختاری میدهید؟ گفته است: که اصلا حرف خود مختاری را نزنید ما به شما سمت و مقام میدیم."

مجاهدین که اینک با لیبرالها بخصوص یکی از ستونهای حکومت جمهوری اسلامی و قاتل فدائیان خلق، سرکوب کننده خلق ترکمن و خلق کرد و مبتکر شعار شورا بی شورا یعنی

بنی صدر حتی فرار داد خوبی بسته اند و راه ارتداد از انقلاب دمکراتیک خلق را در پیش گرفته و اینک به بند و بست با امبرالیستها پرداخته اند، برنامه ای تحت عنوان جمهوری دمکراتیک اسلامی مطرح ساخته اند که نمونه اثی دیگر از حکومت سرمایه داران می باشد، در آن سرمایه داری پذیرفته شده، ارتش و دستگاه بوروکراسی از تعرض مصون است حق خلقهای ایران نادیده گرفته شده، از حق تعیین سرنوشت سخنی در میان نیست، شورای ملی مقاومت و در راس آن مجاهدین خلق از هم اکنون که در روای قدرت می باشند با پرولتاریای ایران که خواهان نابودی تمام نظامات سرمایه داری و ما قبل سرمایه داری است دشمنی خود را آغاز نموده اند، زیرا بخوبی میدانند تا زمانی که پرولتاریای ایران سنگری مثل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دارد، هر گونه سازش و نادیده گرفتن حقوق مردم و بازسازی ارتش و دستگاه بوروکراسی بعد از سرنگونی خمینی محال است.

آنها بدنبال طرحهای از پیش ساخته بنی صدر که در جمهوری اسلامی نیز بر علیه فدائیان بکار میگرفت اینک دست به توطئه های شوم و نافرجایی زده اند که جز شکست و خفت برای مبتکرین آنها ارمغانی نخواهد داشت. برنامه سرکوبگری دمکراتیک اسلامی مجاهدین خلق که در آرزوی گرفتن قدرت از بالا به انتظار نشسته است، منعکس کننده خواسته ها و منافع تاریخی زحمتکشان ایران نمیشد، خلقهای ایران خود مختاری میخواهند، طبقه کارگر ایران خواستار برپائی شوراها و کنترل بر اقتصاد مملکت است، زحمتکشان ایران آزادی تام سیاسی، آزادی احزاب آزاد و برابری مذاهب آزادی بیان، قلم، اندیشه، نابودی سرمایه داران، برجیده شدن بساط ظلم و ستم نابودی پاسداران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

رهنمودیه . . .

بقیه از صفحه ۲

در گروهبری آگاهانه آن از سوی پرولتاریا می باشد، تجربه بیات قیام ۵۷ را دقیقاً مد نظر داشته باشید و اینبار به توده ها بفهمانید که نباید اجازه تکرار مجدد آن سازش در دناک را بدهند. دقت کنید، اینک توده ها نسبت به رژیم توهمی ندارند محور تبلیغات شما باید روی ضرورت سرنگونی این حکومت و جایگزینی آن با حکومت زحمتکشان یعنی جمهوری دموکراتیک خلق دور بزنند، مسلم است که پیروزی ما در گرو فعالیت انقلابی ماست.

بمناسبت انتشار . . .

بقیه از صفحه ۲

علاوه بر این بامی استار توانست اکثریت خائن را در منطقه طرد و افشا سازد و موجبات عدم رشد نظرات آنها را فراهم آورد.

گرچه بامی استار در یک دوره بدلائل تشکیلاتی منتشر نگشت اما خاطره آن از اذهان توده ها پاک نگردید. بامی استار نامی آشنا برای زحمتکشان منطقه بوده و مطمئن هستیم که توده ها از انتشار مجدد آن غرق سرور خواهند شد بهمان میزان که زحمتکشان از انتشار بامی استار استقبال خواهند نمود برای جمهوری اسلامی درد آور خواهد بود، چرا که مرگ رژیم سرمایه داران در آگاهی یافتن توده های زحمتکش نهفته است.

اخبار

بقیه از صفحه ۸

روز پانزدهم مهرماه ۶۲ رفقای پیشمرگ سازمان چریکها فدائی خلق ایران در یک گشت سیاسی با پاسداران و سایر نیروهای مزدور رژیم درگیر شدند، در این عملیات قهرمانانه تعداد زیادی از مزدوران بهلاکت رسیدند. در این درگیری متأسفانه یکی از رفقای پیشمرگ فرمانده عملیات شهید شده است.

ارتش، پلیس زاندارمری و نابودی سیستم انتصابی بودن قضات را طلب میکنند، خواستار تقسیم زمینهای خوانین و زمینداران بزرگ بین دهقانان میباشند. زحمتکشان ایران مسکن، بیمه، بهداشت و درمان رایگان و آموزش رایگان میخواهند، زحمتکشان ایران خواستار رفع ستم ملی و خلفهای ایسران خواستار حق تعیین سرنوشت هستند، خواهان رفع ستم مذهبی میباشند که نه سلطنت و نه جمهوری اسلامی مجاهدین قادر به رفع این ستم نیستند. مجاهدین از هم اکنون با عنوان ساختن اینکه علی مظهر ترقی و عمر و ابوبکر مظهر ارتجاع (مجاهد ۱۵۸) میباشند بی اعتقادی خود را نسبت به حل ستمی که بر اقلیتهای مذهبی از سوی ملت حاکم اعمال میشود نشان میدهند. و از همین بی اعتقادی مجاهدین و شورای ملی مقاومت به حقوق کارگران زحمتکشان و حقوق ملی است که خلق بلوچ نیز هیچ چشمداشتی نسبت به حل مسائلش در صورت تصرف قدرت از طرف مجاهدین ندارد، توده های بلوچ بارها اعلام داشته اند که وضعیت ما در جمهوری رجوی نیز مانند جمهوری خمینی است. آنچه زحمتکشان و در راس آنها طبقه کارگر ایران و ملیتهای ایران میخواهند فقط در جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری کارگران امکانپذیر است نه تنها طبقه کارگر است که در هم شکستن رژیم سرمایه یعنی ارتش و سپاه و نیروهای سرکوبگر را وظیفه خود میداند بلکه نابودی کل طبقه سرمایه دار را خواهان است زمانی که اکثریت توده های مردم اقلیت استعمارگر را شکست دادند و قدرت دولتی را در دست گرفتند و نهادهای خلقی خود را برپا نمودند میتوانند برخورد بیابند که برای همیشه از قید ستم و استعمار و شاه و خمینی و بن صدر و رجوی رها شده اند ضامن پیروزی کارگران و دهقانان بر سرمایه داران تشکیلات و اتحاد آنها و دست یازیدن به قیام مسلحانه عمومی و برپائی جمهوری دموکراتیک خلق است. پیوسته . . .

اخبار:

منطقه

اند، ما نیز مالیات می گیریم . خان خائن با گرفتن ۸۰۰۰۰۰ هزار تومان از طایفه فرد مذکور بعد از بیش از دو ماه وی را رها میکند . این عمل امان مبارکی ماهیت خان مشانه وی را برای زحمتکشان به اثبات رساند .

شهرسور: ملای روستای خیرآباد از بخش بمپور شهرستان ایران شهر که یکی از سرسپردگان خائن رژیم جمهوری اسلا می میباشد با استفاده از موقعیت ویژه اش به ناموس یک زحمتکش چشم طمع میدوزد که بوسیله مرد زحمتکش دستگیر شده و شدیداً تنبیه میگردد . بسیج بمپور مولوی را از اهلای روستا که یکپارچه خواستار مرگ وی بودند تحویل گرفته و اقدام به ضرب و ستم اهالی مینماید که در این حادثه روزن باردار سقط جنین میکنند . مولوی قمرالدین خائن بزرگترین ملای روستا و جاسوس ایران شهر از ملای خائن روستای خیرآباد شفاعت کرده و ملای مذکور را در پناه پاسداران از طوفان خشم مردم نجات میدهد زحمتکشان با خود میگویند اینست معنی عدالت اسلامی خمینی و سرسپردگان .

قطع انگشتان دست یک معلم زحمتکش در اواسط شهرسور ماه به یک آموزگار زحمتکش اتهام دزدی زده می شود و سپاه ایران شهر وی را دستگیر مینماید گرچه اتهام دزدی به نامبرده ثابت نمیشود، اما از طرف پیداستان ضد انقلابی ایران شهر محکم به قطع انگشتان دست میگردد . حکم بوسیله مولوی قمرالدین خائن در چهار راه بلدسوج ایران شهر قرائت و بوضع شنیعی بمورد اجرا درمی آید که موجب خشم و تنفر هزاران نفر تماشاگر میگردد . مردم ایران شهر اعلام میدارند نماز بجا آوردن به امامت مولوی قمرالدین خائن حرام است، تصمیم میگیرند به مسجدی که وی پیش نماز است نروند و از این پس به مسجد دیگری بنام چگرد بروند .

در تاریخ ۱۹ - ۶ - ۶۲ پنج نفر زندام و یک نفر آخوند توسط افراد مسلح بلوچ که در تشکلی باسم بلوچ کومانی سپاکی گرد آمده اند و برای خود مختاری بلوچستان مبارزه میکنند، هلاک میگردند و یک دستگاه خودرو زاندارمری به آتش کشیده میشود . این اتفاق در جاده پیشین چابهار در محلی باسم سوروشان رخ میدهد، همچنین تشکل مذکور نیز اعلام داشته است در تاریخ ۱۱ - ۷ - ۶۲ به پاسگاه سور حمله کرده و آنرا کلوله باران نموده است .

در تاریخ ۱۱ - ۷ - ۶۲ بدنبال حمله به پاسگاه سور سه ماشین معلو از پاسدار و زندام بسوی پاسگاه مذکور حرکت میکنند، در بین راه با پنج ماشین قاچاق فروش مواجه میشوند، پاسداران خمینی در تفکر اینکه خودروهای مذکور متعلق به همان افراد مسلح میباشند، از ترس فرار را برقرار ترجیح داده به فرارگاه های خود باز میگردند و مشغول نگاهبانی از مقرهلی خود میشوند تا مبادا حمله ای صورت گیرد . در ضمن رژیم بدنبال حمله به پاسگاه از سوی افراد مسلح بلوچ اقدام به دستگیری عده ای از زحمتکشان بیگناه نموده و مرزها را شدیداً کنترل مینماید .

شهرسور: خان ضد انقلابی باسم امان مبارکی که قبلاً خود را طرفدار بلوچها جا میزد اینک به راهزنی پرداخته و با گروهی کیری یک نفر باسم عذابیک کوسه اعلام میدارد از این بعد من راهزن هستم و همچنین در دیدار با یکی از سران عشایر اعلام میدارد بدران ما از بلوچها مالیات گرفته

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

رابطه تصادف با شتر

شهریور ماه: در جاده ایرانشهر و خودروبا هم تصادف میکنند یکی از راننده ها از فرط ضربات وارده جان می سپارد، مأمورین جمهوری اسلامی بدون روشن نمودن چگونگی تصادف راننده دیگر را دستگیر و به دادگاه انقلاب ایرانشهر تحویل میدهند، قاضی ارتجاعی ایرانشهر راننده را محکوم به پرداخت یکصد اس شتر می نماید.

زاهدان، در دوسه ماه اخیر بیش از ۵۰ نفر بجهت عدم اعتیاد به مواد مخدر و معتاد بودن اعدام میشوند، طبق اطلاعات متفق خون این افراد نیز قبل از اعدام کسیده شده است و از خانواده های آنها بوقت تحویل جسد به ازای هر تیر ۱۰۰۰ تومان گرفته شده است، این در حالی است که تعداد کبیری از پاسداران معتاد بوده و پاسداران محلی آزادانه به خرید و فروش هرئوئین مشغولند، اعتبار اینک در بلوچستان ابداد وحشتناکی پیدا نموده است ما در آینده تاثیرات مخرب آنرا در یک مقاله مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مهرماه، سر و راهی جابه‌جا کنارک و نفر برادر پارسا در بعد از برخورد های لفظی بر روی یکدیگر اسلحه میکشند در همین حین مأمورین ژاندارمری سر میرسند و هر دو نفر را خلع سلاح مینمایند، برادران که سرچاپیدن زحمتکشان بجان هم افتاده بودند اینبار با مشت و لگد هم دیگر را مضروب و خیزی مینمایند ژاندارمها یکی را بطرف چاه بهار و دیگری را به طرف کنارک میبرند.

مسابقه در چاپیدن و اخادی

مهرماه: جزئی یکی از اعضا فعال گروه تحقیق شهرستان چاه بهار و دستگاه و دعو از یک مغازه دار بجنوبان

قاجاق میکیرد و وی را تهدید به بازداشت مینماید صاحب مغازه که از این طریق مخارج زندگیش را تامین میکند دست به دامان عیسی جدگال که یکی از دوستان جزئی است میکیرد عیسی جدگال به پیش جزئی رفته سفارش صاحب مغازه را می نماید جزئی مبلغ ۲۰۰ هزار تومان پول میخواهد تا کاری به کار نامبرده نداشته باشد صاحب مغازه که از زندان هراس برش میدارد، پول را به نحوی پیدا کرده تحویل میدهد تا اینکه بازرسان خمینی که نوعی دیگر از بازرسان شاهنشاهی می باشند، گذارشان به چاه بهار می افتد، صاحب مغازه به پیش آنها شکایت می برد، بازرسین ظاهرا جزئی را دستگیر و با خود به تهران می برند، سپاه جابه‌جا بعد از چند روز عیسی را دستگیر میکنند و به تهران اعزام میدارد جزئی نی در باره از تهران به چاه بهار بر میگردد، فامیل عیسی که از سرنویشت فرد دستگیر شده بعد از جستجوهای زیاد اطلاعی کسب نکرده بودند به پیش جزئی رجوع میکنند جزئی به آنها می گوید خرج دارد، آنها قبول میکنند جزئی یک آدرس در تهران به فامیل عیسی میدهد و میگوید ۵۰۰ هزار تومان نیز همراهتان ببرید. حسن دوستکی یکی از پاسداران محلی که واسطه جزئی برای رشوه گیری میباشد بهم راهی فامیل عیسی و پانصد هزار تومان به آدرس داده شده در بقیه در صفحه ۷

گرامی باد . . . بقیه از صفحه ۱۲

حتی فارسی صحبت نمودن را بخوشی نمدانست اما علم مبارزه را نه از متن کتابها بلکه از لایلا ی بلایا و مصیبتهایی که بر خلق بلوچ و سایر زحمتکشان اعمال میشود آموخت و آنرا عملا بکار گرفت بالاخره در شهریور ماه ۶۱ هنگامی که در جاده سرکه‌وران - ایرانشهر در حال عبور بود بوسیله ژاندارمری ارتجاعی جمهوری اسلامی که قبلا نامبرده را شناسائی کرده بودند مورد اصابت گلوله قرار گرفت و بیکر پاکش از ترک موثر به خاک افتاد و خاک بلوچستان بار دیگر کلک کون گشت، این جنایت نشان داد که بین نیروهای سرکوبگر خمینی زاندارم و پاسدار هیچ تفاوتی در سرکوبی زحمتکشان بقیه در صفحه ۹

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

آبانماه، حامد رئیس سپاه پاسداران نیکشهر به یک مراسم ازدواج در روستای شارج حمله ور میشود و خواننده مورد احترام بلوچها با اسم کمال خان را مصروب میسازد و سه افراد شرکت کننده اهانت و بی احترامی می نمایند و میکوسد ما در جیبها ها خون میدهم شما عروسی و ازدواج راه انداخته اید .

تاراج محصولات کشاورزی زحمتکشان از سوی پاسداران خمینی: محصولات کشاورزی چندین نفر زحمتکش در قصرقند و روستای کرکنم و روستای پگان از سوی پاسداران ضد خلقی و جاسوسان محلی با اسم کریم نظرزهی پیرخش مسروق به بی ضامن وحسین و دین محمد رئیس بسرقت می رود، محصولات برنج و خرمای زحمتکشان بدین علت تاراج میشود که سرسپردگی رژیم را نپذیرفته و مسلحانسه علیه حکومت قیام کرده اند و با جاسوسان خمینی اختلافات طایفه ای دارند .

سازش سرسپردگان خوانین با رژیم جمهوری اسلامی: همانطور که در مقاله خوانین در تدارک توطئه مندرج در همین شماره نشریه خاطر نشان ساخته ایم خوانین و رژیم خمینی با هم سازش میکنند، هوت نصرت باتفاق محمد اولیسا و یکنفر دیگر که در سفر اخیر مولانا سردار زهی از مهره های اصلی بوده اند با تحویل سه قبضه کلانشیگی تسلیم میگردند و امان نامه دریافت میدارند و تعهد میسپارند که با رژیم بر علیه نیروهای مرفعی همکاری نمایند .

آبانماه: پاسداران ضد خلقی در روستای نیکهچ به منزل بجار فرزند محمد بجار زهی حمله می نمایند که در این درگیری ۵ پاسدار کشته و یک پاسدار زخمی میگردد در ضمن بجار باتفاق دو نفر دیگر کشته و یک نفر زخمی میشود، ناگفته نماند که بجاریکی از زحمتکشان دشتیاری میباشد .

اخبار ...
بقیه از صفحه ۱
تهران مراجعه میکند، عیسی را به فامیلش نشان میدهند، اما وی را نه تنها آزاد نمیکنند بلکه آنها را نیز دستگیر کرده پولها را می بزنند تا از این طریق بتوانند با آدم ریش پول بیشتری دریافت دارند .

جهد سازندگی که زحمتکشان را بزور وادار مینماید تا محصول خرمایشان را بقیضی ناچیز به آن دستگاه بفروشند اسال مقداری کارتن بسته بندی خرما تحویل صاحبان خرما میدهد، اما بعلت بازندگی محصول خرما ی اسال می پوسد، جهاد از خرید خرما سر باز میزند و ادعای خسارت نیز میکند، و قیمت کارتن ها را از مردم طلب مینماید .

مهرماه، سه ماشین پاسدار برای ردیابی مخا لغین حکومت از قصرقند به منطقه آهوران می روند، در راه با سه مرد مسلح روبرو میشوند به روی آنها آتش می کسایند، اما از آنجائیکه موفق به دستگیری افراد مسلح نمیشوند سه کوردکی را که با افراد مسلح همراه بوده اند و سن آنها به ترتیب ۶۴ و ۸ سال بوده است دستگیر و با خود می بزنند که در بین راه در اثر اعتراض یکپارچه مردم مجبور به رهائی آنها میشوند، لازم بتذکر است که پاسداران کوردکان راشکجه کرده و از آنها اطلاعات میخواسته اند، در ضمن به خانه حصیری یک زحمتکش نیز حمله می نمایند، صاحب خانه که از خون آشامی جنایتکاران خمینی با خبر بوده از خانه حصیرش فرار میکند، زن شجاعش تفنگ ۳ وی را از زیر حصیر ها به شوهرش میدهد تا جان سالم بدر برد، و یک قبضه تفنگ گورکی به دست پاسداران می افتد، پاسداران خانه فرد زحمتکش را زیر و رو میکنند، اموال و حتی لباسهای زنانه و صابن را با خود میبرند .

زندانی سیاسی به قدرت توده ها آزاد باید گردد

حمله به سفارت ژاپن

ساعت ۱۵ - ۱۳ - ۲۵ روز ۲۵ - ۵ - ۶۲ - سفارت ژاپن بوسیله رزمندگان فدائی یا بمب منفجر شد، این عمل بدون اعتراض به پشتیبانی دولت ژاپن از رژیم جمهوری اسلامی و بستن فرار دادهای اقتصادی با رژیم صورت گرفته است .

در روز هشتم مهرماه ۳ کیلومتر از جاده سفر - بانده به کنترل رفقای پیشمرکه های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آمد . در این عملیات ابتدا یکی از ماشینهای گشتی رژیم به کمین افتاد که از چهار سرنشین اتومبیل ۲ نفر درام کشته شدند و ۲ نفر از آنان به اسامی محمد پور مهدی و غلامرضا حسین زاده به اسارت در آمدند . در یک درگیری مجدد با نیروهای کمکی رژیم که ساعتها به طول انجامید رفقای پیشمرگ موفق شدند ۲۵ نفر از مزدوران را به هلاکت برسانند که جسد هشت تن از آنان در اختیار پیشمرگان می باشد . در این عملیات تعدادی اسلحه و مهمات نیز بدست رفقای پیشمرگ افتاده است .

ساعت ۶ روز نهم مهرماه مزدوران رژیم به تلافی عملیات روز قبل توسط پیشمرگان قهرمان فدائی به روستاهای دره - آوان و بیراموان حمله کردند که در اینجا با مقاومت پیشمرگان سازمان، پیشمرگان حزب دمکرات و پیشمرگان چریکهای فدائی خلق روبرو شدند . در این نبرد نابرابر ۵ نفر از مزدوران رژیم به هلاکت رسیدند که جسد ۳ تن از آنها در اختیار پیشمرگان میباشد . همچنین طی عملیات یک سلسل کالیبر ۶۸ و یک خودرو رژیم منهدم شد و مقداری وسایل نظامی از جمله ۶۰۰ عدد کپوله کالیبر ۶۸ به غنیمت گرفته شد . متأسفانه در این درگیری یکی از رفقای سازمان بنام مصطفی رسولی بشهادت رسید و یکی دیگر از رفقای ما و یکی از پیشمرگه های حزب دمکرات مجروح شدند . سرانجام دشمن مجبور به عقب نشینی شد .
بقیه در صفحه ۴

آبانماه : مامورین ژاندارمری باسگاه شارک در روستای کهن از توابع چاه بهار با یک گروه مسلح برخورد می نمایند و چون توان مقابله با افراد مسلح را نداشته اند به خانه های مردم هجوم آورده و وسایل خانگی زحمتکشان از قبیل چمدان خارجی و لباسهای خارجی را بسرقت میبرند .

۷ - ۸ - ۶۲ در جاده کسنگ - بیشین ۴ نفر از ۷ سرنشین لندرو ژاندارمری در اثر تیراندازی افراد مسلح بلوچ که در تشکیلی با اسم بلوچ کومانی تپاکی کرد آمده اند و برای خود مختاری مبارزه می کنند، در دم هلاک شده و دو نفر دیگر شدیداً مجروح میگردند و بعد از چند ساعت جان میدهند یک نفر موفق به فرار میشود .

ایران

متخصصین ژاپنی را برای تعمیر پالایشگاه تهران آورده اند که روزانه ۴۰۰ دلار دستمزد برای هر یک از آنها در نظر گرفته شده است .

هفته اول شهریور ۱۷ نفر از دختران مبارز اسیر را رژیم اعدام کرده و بعد خبر آنها با فرستادن ۳۰ تومان پول و یک جعبه شیرینی به درخانه آنها و اعلام اینکه آنها به عقد برادران پاسدار درآمده بودند و این مهریه آنان است داده .

هفته آخر شهریور بدلیل حادث شدن تظاهراتی در روستای رزم تعدادی از دست اندرکاران رژیم از جمله برادر لاجوردی و برادر رفیق دوست که اولی گویا در وزارت خارجه و دومی از معاونین ایدئولوژیک سپاه بودند دستگیر شده اند .

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست

گرامی باد انقلاب کبیرا کتبر

شصت و ششمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر برهبری آموزگار کبیرا پرولتاریا ولادیمیر ایلچ لنین را به کارگران جهان، به پرولتاریای پیروزمند شوروی و به تمامی خلقهای جهان تبریک می گوئیم .

در ماه اکتبر ۱۹۱۷ برای نخستین بار پرولتاریای قهرمان روسیه پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک کشور را با ثبات رسانده و با تصرف قدرت، دیکتاتوری پرولتاریا را بر ویرانه های دستگاه حکومتی سرمایه داری بنانهاد، انقلاب کبیرا کتبر نقطه عطفی در تاریخ بشریت در راه رهائی از یوغ ستم و استثمار و نوید بخش رهائی پرولتاریای جهانی از یوغ سرمایه است، انقلاب اکتبر آستانه عصر انقلابات پرولتاری و مرگ امپریالیسم را که از سه سال قبل آغاز شده بود به اثبات رساند . اگر در شصت و شش سال پیش رفیق لنین پیروزی پرولتاریای شوروی را دفاع تمام کمونیستها و پرولتاریا بحکم وظیفه انترناسیونالیستی از کشور نوپای شوراهای میدانست اکنون پیروزی انقلابات جهانی در گرو رهبری طبقه کارگر و دمبستگی تمامی خلقهای تحت ستم با پرولتاریای کشورهای سرمایه داری وارد و گاه سوسیالیسم میباشد .

بحرانی که سیستم سرمایه داری را فرا گرفته است مربوط تا ناقص مرگ این سیستم را بنوازد، این بحران زمینه ساز انقلابات جهانی میگردد، هم اکنون شعله های انقلاب در بسیاری از نقاط جهان منجمده شیلی، السالوادور، پاکستان، ایران و ... زبانه کشیده است تا عرصه دیگری برای نا بودی سیستم سرمایه داری جهانی گردد . انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران به مرحله نونی از اوج خود علیه رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی رسیده است . چهره جهان از شصت و شش سال پیش بسیار دگرگونه شده است کشورهای بیشماری از قید سرمایه

رها شده و به صف کشورهای سوسیالیستی پیوسته اند بسیاری از خلقهای تحت ستم جهان میروند تا زنجیرهارا بکنند و سندی رهائی خوش را به تائید و قدرت خلقها امضا کرده و به اردوگاه کشورهای رها شده بیوندند سیر تحولات انقلابات جهانی در برخورد با امپریالیسم جهانی و پایگاه داخلیش در هر کشور روای طلایی روزسوی نیستهای خروشچفی را مبنی بر گذار مسالمت آمیز، راه رشد غیر سرمایه داری خروشچفی و ... برهم زد، تجربه های مصر، سوریه، ایران، عراق و ... ثابت نمود که سرمایه داران بهیچ وجه حاضر به دست کشیدن از قدرت سیاسی و هدایت آن به پرولتاریای انقلابی نیستند، برای پرولتاریا و زحمتکشان چاره ای جز توسل جستن به قهر انقلابی نمی ماند . از سبک و رشکستگی تزه های ارتجاعی سه جهان و پیروان نظریه ارتجاعی سوسیال امپریالیسم که بر بستر انحرافات حـزب کمونیست شوروی خوراک تبلیغاتی می یابند در برخورد با انقلابات برای همگان واضح گشته است . در این میان فقط یک راه برای پیشبرد انقلابات باقی می ماند و آنهم بکار بستن نظریات خلاق مارکس و لنین یعنی مشی که سازمان چریکهای فدائی خلق در ایران پرچمدار آنست .

گرامی باد ... بقیه از صفحه ۱

وجود ندارد . متأسفانه بدلیل انتشار نیافتن زند کینامه وی از جانب ما تاکنون جریانات فرصت طلبی چون چریکهای فدائی خلق (ارتش رها ئی بخش) که در بلوچستان هیچ زمان وجود نداشته اند و همچنین عاصری فرصت طلب دیگر طی اعلامیه هائی آنها نه در بلوچستان بلکه در پاکستان وی را بخود نسبت داده اند که این عمل آنها شدیداً از طرف ما محکوم و در حکم شهید دزدی میباشد .
پس ادش گرامی باد

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

سلطنت طلبان ۰۰۰ بقیه از صفحه ۱

تا آنها را تحویل بگیرد، خان خائن که هیچ اعتباری میان مردم بلوچ ندارد به همراهی چند خان دیگر بنامهای ۱- بهرام خان فرزند علی خان، ۲- جهانگیر خان فرزند حسین خان، ۳- دین محمد سردارزهی (برادر مولاداد)، ۴- همایون شیردل خان، ۵- اکبر فرزند حسن خان، ۶- اسلام فرزند بهرام خان بارکزائی بسوی محل فرار راه می افتند، وی چند روز پیش فرزندش حمید و برادرزاده اش رستم را با مقادیر متناسبی پول برای فریب مردم می فرستند و متعاقب آن خودش با مبلغ ۷۵۰ هزار تومان پول به عده ای از بلوچها عده اسلحه می دهد و عده ای دیگر را فریب داده تا او را تا مرز همراهی کنند، همراهان مولاداد در راه یک تویوتای ۱۸۰۰ را به سرقت میبرند و از صاحب خود رو مبلغ ۱۴۰ هزار تومان پول نیز مالیات می گیرند، از بخت بد مولاداد علاوه بر ناآگاهان عده کبیری آگاهانه با وی همسفر شده تا به پول و اسلحه برسند مثلا یکی از رکابداران در این مسافت ۶ کیلو هروئین به خانها می فروشد، خانها که در تمام راه در هوای دستیابی به کج مشغول بود کردن هروئین و تریاک بوده اند غافل از اینکه جاسوسان جمهوری اسلامی نیز قدم به قدم با آنها همگام بوده و حرکت آنها را گزارش میکنند، خوانین در محل امنی خود روهای خود را پارک کرده و با سترعازم (کوک سر) محل تحویل اسلحه ها می شوند پاسداران جمهوری اسلامی نیز که در تعقیب خوانین حرکت می کرده اند، وقتی مطمئن میشوند خوانین دور شده اند اقدام به مصادره خود روها مینمایند، جالب اینجاست وقتی جاسوسان از حامد رئیس پاسداران منطقه قصر قند و نیک شهر می پرسند چرا آنها را دستگیر نمی کنی؟ پاسخ میدهند، اینها عرضه ای ندارند فرداست که همه تسلیم خواهند شد و انکهی ما یک تیر شلیک کنیم همه فرار میکنند و بغرض اینکه روزی حکومت را بدست گیرند ما را نخواهند

گشت، شما از این سئوالات نکمید، فقط باید بدنبال پیدا کردن فدائیان خلیق باشید دشمنان اصلی ما اینها هستند که حکومت را بگیرند همه ما را از دم تیغ خواهند گذراند، (از مکالمات حامد با جاسوسانش) میرمولاداد سردارزهی نیز که آرزوی تصاحب و لایچ اسلحه را در سر می پروراند، هر جا کاروانش منزل می کشید و بساط تریاک همراهانش به دود می نشیند داد سخن میدهد که جوانان آدمهای احمقی هستند نه خودشان قدرت را می گیرند و نه به ما اجازه میدهند، فقط یاد دارند بیخودی خود را به کشتن بدهند، ولی خوب است آنها می میرند فردا رضا پهلوی ولیعهد می آید و کشور را می گیرد، فقط یک آدم حسابی در آنها پیدا میشود و آنهام آخرت بلوچ نویسنده کتاب سیاست در بلوچستان است که می گوید پدران ما انقلابی بوده اند بلکه پدران ما وطن را حفظ کرده اند ما هم با خمینی می جنگیم (از سخنان مولاداد و همراهانش که توسط عده ای از آنها که بعد از تمام شدن سفر اظهار بشیمانی کرده و دست به افشاکاری زده اند به دست ما رسیده است).

پاسداران با مصادره نمودن خود روها به پایگاههای خود باز می گردند میرمولاداد سردارزهی سرقرار رفته و ملت وحشت پیش از حد از همراهانش و بی اعتمادی به آنها و از ترس رزم و بالاخره طوفانی بودن هوا موفق به تحویل اسلحه ها نمیشود و ناگام به پاکستان می رود، تمام ۷۵۰ هزار تومان پول را بین خانها تقسیم کرده و با خرج سفر میکند، و شترهایی را که در بین راه می خرد بین افراد خود تقسیم میکند و در آخر سفر اظهار میدارد میخواستم بلوچستان را پر از اسلحه کنم ولی نه تنها نشد بلکه خودم بدنام شدم، لنچ های اسلحه دوباره نزد سلطان قابوس باز میگردند و مولاداد منتظر فرصت دیگری است تا آنها را تحویل بگیرد. اینک همراه فرزند دوچهره اش به لندن رفته



مرگ بر خمینی جلال

و دادن امکانات فراوان به افرادی که جاسوسی کنند فقط موفق به جلب‌عده معدودی گشته که اینها نیز از همان خود فروختگان رژیم قبلی میباشند و همچنین در سفر اخیر خوانین و سلطنت‌طلبان معلوم گشت که خلق بلوچ از آنها بیزار است و نه نیرنگهای جمهوری اسلامی و نه تلاشهای بیپوده خوانین قادر به فریفتن توده‌های بلوچ نیست.

دشمنی سلطنت‌طلبان و جمهوری اسلامی با فدائیان از پایگاه طبقاتی آنان از آنجائی ناشی میشود که سرمایه‌داران با کارگران و ضد خلقها با توده‌های زحمتکش دارند، دشمنی با فدائی دشمنی با طبقه کارگر ایران است زیرا که فدائیان در راه سرخ خود رهایی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را در دستور خود قرار داده‌اند، جمهوری اسلامی و سلطنت‌پخوی میدانند وقتی زحمتکشان به رهبری فدائیان به قدرت برسند برای آنها امکان زیستن وجود ندارد پس برای تحقق‌بخشیدن جمهوری دمکراتیک خلق که حتی دشمنان طبقاتی کارگران و زحمتکشان نیز آنرا باور دارند بی‌اختیارم حول برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که تنها راه نجات زحمتکشان در بند است متحد شوم و جمهوری دمکراتیک خلق را برپا سازم زیرا تنها راه نجات شما توده‌های بلوچ در همین اتحاد و همین خیزش و همین همبستگی با سایر خلقهای ایران است، وعده‌های سلطنت‌طلبان چیزهای جدیدی نیست همان ۱۷ شهریورها و همان کستارهای قبل از قیام میباشد، همان حاکم شدن مثنی هریزه و غارت‌کننده بر جان و مال شماست. تنها حکومتی حامی شماست که از خود شما تشکیل شده باشد، اسلحه‌اش در دست شما باشد و اداره‌اش نیز در اختیار خودتان باشد خودتان قاضی انتخاب کنید، شورا انتخاب کنید و سایر مجامع خلقی را برپا دارید. پس برای رسیدن به چنین حکومتی لازم است در کمیته‌های مخفی مقاومت گرد آید به جمع آوری اسلحه بپردازید و تدارک یک قیام مسلحانه سرتاسری را مهیا سازید تا آگاهانه حکومت را تحویل بگیرید.

است تا دستورات جدیدی برای توطئه دریافت کند. اما آنچه شایان توجه است رونگه میباشد: علی‌الرغم اینکه سلطنت‌طلبان به نیروهای خود دستور داده‌اند فعلا نظاره گرواضاع و احوال باشند، شدیداً در تدارک تسلیح خود و برگرداندن نظام سلطنتی در فرصتی مناسب هستند، بعد از برگشتن مولادان یکی از مولوهای به اسم عبدالستار در کراچی با وی بگونه‌ای مرموز تماس حاصل می‌نماید و پیامهایی از مولوی عبدالعزیز را بوی می‌رساند، در این روزها رفت و آمدهای نمایندگان سلطنت‌طلبان مدنی، اوسلی، ولیعهد، بختیار به پاکستان شدت یافته و پولهای هنگفتی به خانها تحویل میدهند.

پس اینک هم جمهوری اسلامی و هم سلطنت‌طلبان، نیروهای مترقی بخصوص فدائیان خلق را سدی در مقابل خود می‌بینند، آنها برای نابودی نیروهای مترقی حاضرند با هم آشتی کنند، هم اکنون چندین خان به رژیم تسلیم شده و برای آن جاسوسی می‌نمایند، سعید خان پسر یکی از خانهای زاهدان رسماً جاسوس رژیم است چند تن از بستگان حاجی کریم بخش و نزدیکان مولادان با رژیم همکاری نزدیک دارند، حاجی علم خان مبارکی با سفارت ایران در پاکستان ارتباط دارد، قدوس خان نعمت‌اللهی جاسوس دو طرفه است و علیهذا...

سلطنت‌طلبان و نوکران آنها خوانین که میلیاردها تومان از دسترنج زحمتکشان ایران را به غارت برده‌اند و اینک از کمک بی‌شائبه امپریالیستها برخوردارند و در پاکستان تامین سیاسی گرفته و در قصرهای مجلل زندگی میکنند در صدند تا دوران قبلی را باز گردانند، غافل از این که زحمتکشان بلوچ هم ماهیت رژیم شاه را شناخته و هم اینک به رژیم جمهوری اسلامی توهمی ندارند، رژیم جمهوری اسلامی بعد از چهار سال فریب و خرج میلیونها تومان پول

هرچه گسترده‌تر باد از خاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



گرامی باد خاطره شهید خلق
مراد محمد صلاح زهی

مراد محمد در سال ۱۳۲۸ در یک خانواده عشایری بدینیا آمد و دوران کودکی را به شبانی و چوانی گرانند در همان اوان کودکی پدر خوش را از دست داد و اداره خانواده را نیز در آن شرایط سخت زندگی در کوه های آهوران بعهده گرفت. در سنین جوانی چون خیلی از بلو-چها بدنبال تامین معیشت بکشورهای عربی سفر نمود و نیروی بدنی خوش را به سرمایه داران عرب فروخت.

شهید در تجربیات زندگی خودش از متن مشقت بار زندگی ستمی را که بر خلق بلوچ روا میروید درک نموده و به شدت از زندگی فلاکت بار بلوچها ناراضی بود، جریانات قیام تاثیرات مثبت و نیکوئی روی وی گذاشت و بطور خود بخودی همراه عده ای دیگر به مبارزه مسلحانه با رژیم جمهوری اسلامی پرداخت. این گروه تحت رهبری سرمچار رحیم زردکوهی با هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان ارتباط برقرار نمود اما بعد از شهادت رحیم زردکوهی افراد این گروه نیز پراکنده شدند. شهید مراد محمد ارتباطش را با هواداران سازمان حفظ نمود و در سال ۶۰ به جنبش آزادیخواهان بلوچ پیوست. شهید مراد محمد که از خصوصیات مردمی فوق العاده ای برخوردار بود، یک ضعف بزرگ داشت و آن بی پروا بودن در مورد جان خویش بود، وی هنگامی که به کمین پادساران می نشست تیرش خطا نداشت، دلیر، باشهامت و پر جرات بود، او کرجه سواد خواندن و نوشتن نداشت و بقیه در صفحه ۱



گرامی باد خاطره فدائی خلق
رفیق شهید مهدی خانزاده

دو سال پیش در ۱۹ مهر ماه یکی از ستارگان فروزان به زمین افتاد، یکی از شاخه های پر بار درخت انقلاب شکست و در قلب توده های دربند کشورمان جاودان گشت. رفیق مهدی خانزاده یکی از مسئولین با ارزش و عضو مرکزیت تشکیلات هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق در سیستان و بلوچستان، گرچه بلوچ نبود اما از ستمی که از سوی سرمایه داران فارس بر زحمتکشان بلوچ روا میشود بخوبی آگاه بود. رفیق نمونه یک کمونیست آگاه و انقلابی هر لحظه در تفکر پیش برد انقلاب و رهائی زحمتکشان عاشق دموکراسی و سوسیالیسم بود مبارزه را از دوران دانش آموزی همراه رفیق شهید صادق نظیری بر علیه رژیم شاه شروع کرد و بتدریج با علم رهائی پرولتاریا آشنا گشت و آنرا تنها راه نجات کارگران و زحمتکشان تشخیص داد.

رفیق یک بار در سال ۵۹ همراه اکثریت اعضای خانواده اش از سوی سپاه زاهدان دستگیر گردید و در اثر هوشیاری بعد از ۴۰ روز بازداشت آزاد گردید از آن پس به تهران رفت و در تشکیلات تهران سازمان به فعالیت خود ادامه داد. بعد از پیروزی لجام گسیخته ۳۰ خرداد ۶۰ در اثر یک اشتباه دستگیر گردید، بعد از دو ماه تحمل شکنجه های قرون وسطائی و بدین حتی یک بار ملاقات با خانواده اش در زندان اوین به جوخه اعدام سپرده شد.

یادش گرامی باد

جاودان باد خاطره همه شهیدای بخون خفته خلق